

## نقش سازمان ملل متحد در توسعه حقوق بشر در افغانستان

### مبحث نخست- مفاهیم

#### گفتار اول- مفهوم حق

##### الف- حق در لغت

حق در لغت به معنای راستی در وعده، درستی در سخن، یقین، ثابت و ضد باطل بکار رفته است. که وجه اشتراک تمام این معانی نوع ثبات و پایداری است.<sup>1</sup>

##### ب- حق در اصطلاح

حق سلطه و اختیار است که حقوق هر شخص به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها میدهند. مانند اصل حیات و آزادی. برای حق دو مرحله می توان تصور کرد:

یک) مرحله اعتبار حق برای افراد و اهلیت انسان ها، برای اینکه صاحب حق شوند که اصطلاحاً به آن اهلیت تمتع گفته می شود. در این مرحله هر انسانی در چارچوب ویژگیهای یک نظام حقوقی می تواند صاحب حق شود و هیچ کسی حتی خود انسان نمی تواند چنین اهلیتی را از خود سلب نماید. مرحله دیگر، مرحله ای اجرای حق و ایفای آن است. در هر مرحله برای که شخص بتواند از حق خود استفاده نماید شرایط لازم است. و این شرایط عمدتاً برای این است که شخص بتواند حق خود را در راستای منافع خود به کار گیرد.

دو) حق امری اعتباری است که به موجب آن صاحب حق، شایستگی اختصاصی و بهره وری از آن را یافته و برای دیگران نیز رعایت آن لازم است.<sup>2</sup>

بر این اساس حق امری اعتباری است که به نفع کسی (له) و ضد دیگری (علیه) وضع می شود. متناسب با تعریف مزبور حق ارکان سه گانه دارد:

<sup>1</sup> جواد آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، قم مرکز نشر اسراء، چ ششم، سال 1389، ص 74.  
<sup>2</sup> خسرو شاهی، قدرت الله، فلسفه حقوق (سلسله دروس اندیشه های بنیادین اسلامی)، جلد 1، تهران، 1383، ص 22.

یک) من له الحق: کسی که حق بر اوست و به نفع وی

دو) من علیه الحق: کسی که حق به ضرر وی است.

سه) موضوع حق: آنچه متعلق حق است

حق همواره در راستای منافع افراد است که حق بر آن ها به رسمیت شناخته شده است و صاحب حق شناخته می شوند، دارنده حق ممکن است یک فرد یا گروهی از افراد و یا حتی همه افراد جامعه باشند. چنانچه که ممکن است شخصی حقیقی یا شخص حقوقی باشد. مانند حقوقی که برای دولت است. شاید بتوان گفت حق آن دسته از امتیازات و توانای های است که هر انسانی از آن روی که انسانند آن ها را دارند. اکنون که مفهوم حق برای ما روشن شد لازم است که تکلیف و رابطه تکلیف با حق را نیز سخن به میان آید: باید گفت که حق و تکلیف در مقابل همدیگر قرار دارد. هر حق، تکلیفی برای دیگری به وجود می آورد<sup>3</sup>.

## 1- حق و تکلیف

تکلیف) تکلیف در لغت به معنای الزام الشاق و دشواری است. مراد از تکلیف در مباحث حقوقی حکم و فرمانی است که از سوی مقام صلاحیت دار صادر می شود.

رابط حق و تکلیف چیست؟ حق و تکلیف دو رابطه دارد که عبارت است از: رابطه اشتراکی و افتراقی

یک رابطه اشتراکی) حق و تکلیف هر چند در مقابل همدیگر قرار دارد ولی تلازم میان شان به گونه برقرار است که هر حقی مستلزم تکلیف و هر تکلیفی مستلزم حقی است.

دو رابطه افتراقی) تفاوت میان حق و تکلیف در این است که اغلب موارد اعمال حق اختیاری است ولی تکلیف همیشه الزامی است.

## 2- حق و امتیاز

از تعریف حق معلوم شد که حق نوعی اعتباری است که برای انسان به ما هو انسان اعتباری است. ولی امتیاز اولویت خاص هستند

---

<sup>3</sup> همان؛ 22.

که به موجب قوانین و قراردادهای اجتماعی با لحاظ شرایطی خاص به دسته از افراد تعلق می‌یابد<sup>4</sup>. برای مثال اولویت‌های که برای متخصصان و کارشناسان در زمینه خاصی مقرر می‌شود مثل اعطای گواهی نامه رانندگی.

### 3- حق و آزادی

حق و آزادی گاهی مترادف به کار می‌روند و گاهی با همدیگر متفاوت اند

آزادی عبارتست از مجموعه قدرت‌ها و اتبکارات انسان در حاکمیت به سر نوشت خویش، به عنوان مثال آزادی رفت و آمد به منزله قدرت و ابتکار انسان در جابجای خود می‌باشد. و آزادی همراه با استقلال انسان امری طبیعی و ذاتی است بدون آن که نیاز به مداخله دیگر ضرورت داشته باشد. حال اگر حقوق بین اراده افراد آدمی باشد مانند آزادی‌های تجلی می‌شوند که در صورت حقوق و آزادی آن مترادف اند. اما اگر حقوق بین مجموعه قدرت‌ها باشد که آدمیان بر دیگری اعمال می‌کنند در این صورت حقوق با آزادی متفاوت می‌شود. زیرا حقوق در این معنا یک نوع رفتار مثبت است<sup>5</sup>.

### گفتار دوم- تعریف حقوق

کلمه حقوق بر معنای مختلف اطلاق می‌شود که هر چند بی ارتباط با یکدیگر نیستند. در این جا بعضی از معانی آن را توضیح می‌دهیم.

یک) حقوق به معنای مجموعه مقررات حاکم بر روابط اجتماعی یعنی مجموعه باید‌ها و نباید‌ها که اعضای یک جامعه ملزم به رعایت آن هستند و دولت ضمانت اجرای آنرا به عهده دارد.

دو) حقوق در یک معنا جمع حق و معادل واژه انگلیسی (Rights) است. حقوق در این معنا همان مفهوم را افاده می‌کند که در مباحث و مسایل حقوق بشر به آن اشاره می‌شود. و موارد مانند حق حیات و سایر حقوق و آزادی‌های افراد را در بر می‌گیرد.

---

<sup>4</sup> سیدعلی میر موسوی و سیدصادق حقیقت، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، ج1، تهران، اندیشه اسلامی، چ7، 1388، ص 130.

<sup>5</sup> هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ج1، تهران، دانشگاه تهران، 1384، ص 7.

معمولاً قانون اساسی کشور ما بخشی از موارد و اصول خود را به بیان این دسته از حقوق اختصاص می دهد.<sup>6</sup>

سه) حقوق به معنای علم حقوق که مقصود از حقوق در این مفهوم دانش است که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آن می پردازد.

چهار) حقوق مجموعه امتیازات و قدرت قانونی است که برای افراد و گروه ها یا اجتماع در هر نظام حقوقی برای تنظیم روابط اجتماعی مردم و حفظ نظم و تامین سعادت مردم وجود دارد.<sup>7</sup> در نتیجه حقوق به معنای آخری و حقوق جمع حق در مباحث حقوق بشر بر این اساس تعریف می شود.

### گفتار سوم- تعریف حقوق بشر

#### الف- تعریف هستی شناختی حقوق بشر

از نظر هستی شناسی حقوق بشر به مفهوم آزادی به عنوان حق در رابطه آدمیان با همدیگر تعریف می شوند: این تعریف مشتمل بر اراییه آزادی به منزله قدرت فرد حاکم بر سر نوشت خویش می باشد که براساس آن انسان شخصاً ابتکار عمل در رفتار خود را دارا است، هم چنین او در برخورداری از آزادی قادر به مقاومت در مقابل هرگونه جبرگرایی است.<sup>8</sup> حقوق بشر عبارتست از مجموعه ای اصول پذیرفته که از طبیعت و ذات انسان ناشی می شوند.<sup>9</sup>

#### ب- تعریف سیاسی حقوق بشر

اوصاف دوگانه یعنی (استقلال و مشارکت) از حقوق بشر دو نوع معنی اراییه می کند: در اندیشه های جان لاک و فریدریک هایک عنوان (آزادی و استقلال) برجستگی دارد که استقلال فردی و خارج از اجبار و الزام اجتماعی بدور از انقیاد و تابعیت سیاسی قرار می گیرد. بر این اساس فرمان روایان حق محدود ساختن حقوق و آزادی افراد را ندارند. و از سوی دیگر در اندیشه های ژان ژاک روسو عنوان (آزادی مشارکت) بیان گر تجلی اراده و حقو مشارکت آدمیان در اراده امور عمومی و مدیریت سیاسی را بدون هرگونه فشار اجتماعی دارا هستند.

<sup>6</sup> محمدی، عبدالعلی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، کابل، انتشارات موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین، 1387، ص 30.

<sup>7</sup> جعفر لنگرودی، مقدمه عمومی علم حقوق؛ ص 12.

<sup>8</sup> هاشمی، سیدمحمد، پیشین، ص 7.

<sup>9</sup> نیازی، عبدالوحد، حقوق بشر، کابل، دانشگاه کابل، 1387، ص 7.

### ج- تعریف حقوق بشر از دیدگاه اسلام

حقوق بشر عبارت است از مجموعه از اصول برخواسته از فطرت انسانی که با دو ویژگی در عرصه زندگی او ظاهر می شود. 1. نیازهای درونی و ذاتی. 2. استعداد بیکران

### د- تعریف حقوقی حقوق بشر

حقوق بشر عبارتست از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با ضمانت و حمایت های لازم از آن برخوردار می باشند. به عبارت دیگر حقوق مجموعه امتیازات و قدرت قانونی است که آدمیان به لحاظ انسان به ما هو انسان بودن در روابط خود با دیگران دارد، و افراد ملزم به رعایت آن ها می باشند که این تعریف هم شامل حقوق فرا قانونی و هم از ضمانت اجرایی برخوردار است<sup>10</sup>.

### ه- تعریف حقوق بشر در قانون اساسی افغانستان

تحولات و فجایع دو دهه اخیر افغانستان تدوین کنندگان قانون اساسی را بر آن داشت که اهمیت و جایگاه ویژه ای برای حقوق بشر در میان سه گفتمان اصلی قانون اساسی یعنی حقوق بشر، دموکراسی و اسلام اختصاص دهند و حقوق بشر و حقوق ملت به یکی از موضوعات محوری تبدیل گردید. شرایط جهانی را نیز نباید از ارتباط با این موضوع نادیده گرفت در مقدمه قانون اساسی آمده است: ( با رعایت منشور ملل متحد و با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر) و به علاوه در ماده 6 قانون اساسی آمده است: " دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی براساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر... در همه مناطق کشور مکلف می باشند" در ماده 7 نیز ذکر شده است: " دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن محقق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند" و در ماده 58 نیز بیان شده است: " دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تاسیس می

<sup>10</sup> هاشمی، سیدمحمد، پیشین، ص 9.

نماید" افزون بر این مواد، قانون اساسی فصل جداگانه ای به حقوق و وجایب ملت اختصاص داده است که از نظر محتوا تقریباً در حدود هفتاد فیصد آن همان حقوق بشر است<sup>11</sup>.

## مبحث دوم - کلیات

### گفتار نخست- ریشه ها و پیشینه های تاریخی حقوق بشر

#### الف- از پیدایش تا جنگ جهانی دوم

عبارت حقوق بشر یا (حقوق الانسان) در زبان عربی از پیشینه ای به قدامت تاریخ حیات بشری برخوردار است. برخی معتقد اند هنگامی که سخن از حقوق بشر به میان میاید مفهوم آزادی انسان ها در ذهن تداعی میشود و این مفهوم موضوع بحث و مورد توجه جدی بشریت در طی تاریخ بوده است. نخستین نشانه این بحث در قانون حمورابی پادشاه بابل در سال های (1658-1730 ق.م) دیده میشود. در این قانون جامعه به سه بخش تقسیم می شود: انسان های آزاد، تابع و برده. اصل قصاص با اندکی مدارا در قانون جزای و جود داشت و حقوق خانواده از قبیل وضعیت همسر، ارث و... نیز در آن به چشم میخورد<sup>12</sup>. هرچند که منشور حمورابی در موضوع حقوق بشر، بسیار ابتدایی است ولی نخستین گام به سوی حقوق انسان ها محسوب می شود. در قرن ششم قبل از میلاد کوروش کبیر فرمانروا هخامنشیان و بیان گذار همپراتوری ایران، منشوری را تنظیم کرد که در آن آزادی

<sup>11</sup> دانش، سرور، حقوق اساسی افغانستان، کابل، موسسه تحصیلات عالی ابن سینا، چ1، 1389ه.ش، ص336.

<sup>12</sup> ذاکریان، مهدی، حقوق بشر در هزاره جدید، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، 1381، ص 37.

مذهب و آزادی ملل بیگانه مورد توجه قرار گرفته بود. فرمان کوروش کبیر پس از فتح بابل، نخستین و قدیمیترین سند تاریخی در زمینه حقوق بشر محسوب میشود. طبق این فرمان، کوروش با احترام به اعتقادات مردم و خوش رفتاری نسبت به آنها، با آنان امدیت اعطا نموده و نیازمندی های بابل و همه پرستشگاههای آنها را در نظر گرفته و در بهبود وضع آنها کوشیده است. وی خانه های ویران آنها را آباد نموده و به بدبختی های آنان پایان داد او شهر مقدس آن سوی دجله را تعمیر نموده و پیکر خدایان را به جایگاه خودشان باز گرداند. و یوغ ناپسند مردم بابل را برداشته است<sup>13</sup>. بر روی ستون بزرگ با معماری باستانی تخت جمشید کتیبه زیر از داریوش در (485-521 ق.م.) امپراتور ایران حک شده است: من این چنین ام که دو ستدار حقیقت و راستی هستم. من دو ستدار خطا و نادرستی نیستم. این که نسبت به انسان ضعیف بوسیله انسان توانمند بی عدالتی صورت گیرد، مطلوب من نیست در عین حال مطلوب نیست که به انسان توانمند توسط انسان ضعیف بی عدالتی شود. آنچه که حق است، مطلوب من است. پنج قرن قبل از میلاد مسیح (حدود 450 ق.م.) در نزد رومی ها دوازده لوح وجود داشت که هر یک مربوط به مقررات، حقوق و تکالیف شهروندان رومی بود<sup>14</sup>. در سال های پایانی قرن پنجم قبل از میلاد، طبقه سوم مردم، یعنی توده ها توان کسب مقام قضاوت را بدست میاورند. با احیا و اصلاح الواح دوازده گانه توسط کاراکالا<sup>(1)</sup> ویژگی شهروندی روم به تمام مردان آزاد امپراتوری روم اعطا شد. آئینه های یهود و مسحیت نیز در راستای نجات انسان ها از ستم فرعون و آزادی قوم بنی اسرائیل و احقاق حقوق آنها گسترش یافت و مسیح منادی صلح و محبت و رهایی انسان ها گردید. اسلام نیز به نوبه خویش در راستای رفع جاهلیت و شرک در شبه جزیره عربستان نازل شد و به سرعت در میان انسان های زجر دیده و پاه برهنه گسترش یافت. حضرت محمد (ص) منادی نجات انسان ها از شرک و ستم بود: قولو لا اله الا الله تفلحوا - انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا انکم عندالله اتقاکم... حتی برخی معتقد اند که در منطقه خاور میانه، اسلام تنها فاکتور است

<sup>13</sup> رضائی، مرتضی، منشور بین المللی حقوق بشر، تهران، ناشر دانشگاه تهران، 1371، ص 595.

<sup>14</sup> ممتاز، جمشید، حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، تهران، ناشر دادگستر، 1377، ص 89.

که حقوق بشر را می‌پذیرد. هرچند که برخی اندیشمندان، حقوق الهی را در برابر حقوق انسانی قرار می‌دهند ولی در واقع هر دو ناظر به یک مقصد اند. حقوق الهی و حقوق انسانی متفقاً تعالی و نجات انسان‌ها را مدنظر دارند، حال هرچند که تحت عناوین و شکل‌های گوناگون آن مقصود را ارایه می‌کنند. قرون وسطی نیز علی‌الرغم تاریکی‌ها و ظلماتش آزادی‌ها و بورژوازی را سبب گردید.

پیرو انحطاط فیودالی یک امتیاز بدست می‌آمد. منشور ماگنانکارتا معروف به منشور کبیر انگلستان در سال 1215 م از معروفترین امتیازهاست. این منشور اساس آزادی‌های انگلیس‌هاست. فیلسوفان و اندیشمندان از ارسطو گرفته تا جان لاک بر بحث آزادی و حقوق انسان‌ها توجه داشته‌اند. نخستین حقوق سیاسی و مدنی که بطور واقعی به شهروندان اعطا شد در جریان اعلامیه انگلیسی حقوق 1689، اعلامیه استقلال امریکا 1776 و اعلامیه مشهور حقوق بشر و شهروند 26 اوت 1789 انقلاب فرانسه بوده است.<sup>15</sup> در سال 1787 کمیته الغا تجارت برده بر در انگلیس افتتاح شد. بریتانیا کبیر در سال 1807 تجارت برده در تمام نقاط دنیا را ممنوع اعلام کرد و تا سال 1833 در سرزمین‌های که کنترل آن تحت نظارتش بود به برده داری پایان می‌دهد. تجارت برده در سال 1802 در دنمارک و به سال 1814 در فرانسه ممنوع گردید. در طی جنگ‌های داخلی امریکا، برده داری در سال 1865 پایان می‌یابد و در سال 1886 در برازیل خاتمه می‌پذیرد. حمایت اقلیت‌های مذهبی نیز از طریق عقد قراردادها از سوی دولت‌های اروپای با امپراتوری عثمانی (ترکیه) صورت پذیرفت. قرارداد پاریس 30 مارس 1856 و قرارداد برلین 13 ژوئیه 1878 از این موارد اند. در زمینه حمایت از اقلیت‌ها، کنگره وین 1815 این امر را در قالب اصل ملیت‌ها مورد شناسایی قرار داد.<sup>16</sup> در قرن نوزدهم تضمین رعایت حقوق بشر بین خود دولت‌ها انجام می‌پذیرفت. بین‌المللی شدن حقوق بشر در قرن بیستم به امضای قرارداد حمایت از اقلیت‌ها تحت نظر جامعه ملل صورت گرفت. با تاسیس جامعه ملل به حقوق زنان و کودکان توجه شد و نظام

<sup>15</sup> نکریان، مهدی، پیشین، ص 39.

<sup>16</sup> مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، موسسه اطلاعات، 1377، ص 26.



قیمومیت جامعه ملل نیز به نوعی جزو حقوق بشر محسوب می شد. در 25 سپتامبر 1926، مقاله نامه مربوط به بردگی در ژنو به امضا رسید و برابر ماده 12 آن از 9 مارس 1927 به اجرا گذاشته شد. در سال 1930 مقاله نامه کار اجباری در کنفرانس عمومی اجلاس چهارم سازمان بین المللی کار به تصویب رسید و برابر مفاد ماده 28 آن از اول ماه مه 1932 لازم الاجرا گردید<sup>17</sup>.

## ب- از جنگ جهانی دوم تا نظم نو جهانی

همته اصلی حقوق بشر، به عبارت دیگر ماهیت جوهری حقوق بشر از هنگام اتفاقات و خشونت‌ناک و تکانه‌دهنده جنگ جهانی دوم بوجود آمد. از این زمان است که نیاز جدی به تدوین قوانین حقوق بشر احساس می شود. به عبارت دیگر و حشت و رعبی که نازیها بوجود آورده بودند؛ موجب یک علاقمندی گسترده نسبت به حقوق بشر شد. فرانکلین روزولت سی و یکمین رییس جمهور امریکا در 6 ژانویه 1941 پیامی به کنگره فرستاد و در آن تاکید کرد که باید در سراسر جهان چهار آزادی تامین می شود:

1. آزادی نطق و بیان، آزادی عقیده و بهد ها، آزادی مطبوعات نیز بر آن افزوده شد

2. آزادی دین و مذهب و مراسم سیاسی

3. آزادی یا رهایی از احتیاج

4. آزادی از ترس (یعنی ترس از افراد ذینفوذ و ترس از دولت).

وی این چهار اصل را چند ماه بعد به اتفاق چرچیل وارد منشور اتلانتیک کرده، منتشر ساخت و چنانکه می دانیم اصول آن طور 1942 گنجانیده شد<sup>18</sup>. سازمان بین المللی کار نیز در اعلامیه 1944 فیلادلفیا بیان میدارد:

1. کار یک کالا نیست.

<sup>17</sup> ذاکریان، مهدی، پیشین، ص 39.

<sup>18</sup> حلبی، علی اضغر، تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم، تهران، جزوه درسی دانشگاه امام صادق، 1370، ص 14.

2. آزادی بیان و اجتماعات برای رسیدن به توسعه اصلی اساسی است.

3. فقر در هر جا برابر با خطر در هر زمان است.

4. صلح دایم تنها با ایجاد یک عدالت اجتماعی برقرار می‌گردد.

با تدوین منشور ملل متحد هسته اصلی و توافق نظر ملل پیروز در جنگ جهانی دوم، بی توجهی نسبت به حقوق بشر است. با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، منشور سازمان ملل متحد بر نقش سازمان، بویژه مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و کمیسیون حقوق بشر در حمایت از حقوق و آزادیها به شرط عدم دخالت در حاکمیت دولت‌ها صحنه گذارد. بر همین مناسبت که اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها و میثاق‌ها حقوق بشر در سازمان ملل متحد شکل می‌گیرند<sup>19</sup>. و به تصویب کشورهای می‌رسند. نخستین و مهمترین اقدام سازمان ملل متحد به تصویب رساندن اعلامیه جهانی حقوق بشر در 10 دسامبر 1948 است. از آنجا که حمایت از حقوق بشر در مقدمه منشور ملل متحد و بند سه ماده یک، یعنی از میان اهداف و مقاصد ملل متحد و در بند ج ماده 55، ماده 56، بند 2 ماده 62 و ماده 76 به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است و همین طور به صورت آشکار در ماده 68 که به شورای اقتصادی، اجتماعی اجازه تاسیس کمیسیونهای به منظور توسعه حقوق بشر را می‌دهد. به همین منظور شورای اقتصادی، اجتماعی در شانزده فوریه 1946، نه شخصیت زیر 1. خانم النور روزولت از ایالات متحده آمریکا 2. آقای رنه کاسن از فرانسه 3. آقای شارل مالک از لبنان 4. آقای پنگ چون از چین 5. آقای هرمان سانتاکروز از شیلی 6. آقایان الکساندر بوگومولف و آلکسی باولف از اتحاد جماهیر شوروی 7. آقایان لرد داکستن و جوفری ویلسون از انگلستان 8. آقای ویلیام هود گسون از استرالیا 9. جان همفری از کانادا را به نمایندگی از کشورهای متعدد و مختلف و با توجه به صلاحیت‌های شخصی و تخصصی شان (نه به عنوان نمایندگان دولت‌هایشان)

---

<sup>19</sup> ذاکریان، دکتر مهدی، پیشین، ص 40.

به عنوان اعضای کمیسیون هسته ای حقوق بشر انتخاب کرد<sup>20</sup>. به همین ترتیب یک کمیسیون فرعی هسته ای در مورد وضعیت زنان تشکیل شد که این کمیسیون ها طی نشستهای متعدد به تبادل آرا پیرامون حقوق بشر پرداختند. خانم روزولت رییس کمیسیون در 10 دسامبر 1948 اعلامیه جهانی حقوق بشر را به مجمع عمومی سازمان ملل در کاخ شایوت پاریس تقدیم نمود که با اکثریت آرا و بدون مخالف به تصویب دولتهای عضو رسید. در راستای اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعقیب توصیه شورای اقتصادی و اجتماعی، سرانجام پس از هجده سال در 16 دسامبر 1966 دو میثاق بین المللی حقوق اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. با تصویب این میثاق ها یک انقلاب اساسی در زمینه حقوق بشر پدیدار گشت، به گونه ای که در اصطلاح متخصصین حقوق بشر از اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق بین المللی حقوق بشر به منشور یا لایحه بین المللی حقوق بشر تعبیر می شود. در کنار این میثاق ها دیگر معاهدات بین المللی در زمینه حقوق بشر نیز به امضا و تصویب دولتها رسیدند از جمله: کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی (ژنوسید) 1951، کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض نژادی 1969، کنوانسیون مقابله با شکنجه و رفتارها و مجازاتهای خشن و غیر انسانی 1969، کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جرم نژاد پرستی آپارتاید 1976، کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان 1987، کنوانسیون حقوق کودک 1990 و نهایتا کنوانسیون ها بین المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده هایشان در 1990 (که هنوز به مرحله اجرا در نیامده است) از جمله آن کنوانسیون ها است. به علاوه در مناطق مختلف جغرافیایی، کشور های علاقمند به ایجاد یک سیستم منطقه ای حمایت از حقوق بشر در راستای فصل هشتم منشور سازمان ملل متحد، فعالیت هایی را آغاز نمودند<sup>21</sup>. از جمله کشور های اروپای غربی که در چارچوب شورای اروپا در سال 1949 سعی کردند تا یک رژیم مشابه از دموکراسی را میان خود پدید آورند و پیرو آن به تدارک یک کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

---

<sup>20</sup> همان، ص 40.

<sup>21</sup> همان، ص 40.

در 4 نوامبر 1950 در رم پرداختند که نه تنها بیان کننده آزادیهای اساسی باشد بلکه دارای یک ضمانت اجرایی قوی و حمایت عملی از حقوق بشر باشد. متون حقوق بشری دیگری که بین این کشورها به امضا رسید عبارتند از: منشور اجتماعی حقوق بشر 1969، کنوانسیون منع شکنجه و مجازاتها و رفتارهای غیر انسانی 1987 و اخیراً کنوانسیون ها حمایت از اقلیت های ملی 1998 و کنوانسیون حقوق بشر و حیات مصنوعی 1997. کشور هایی آمریکایی در 22 نوامبر 1969 در سن خوزه دوکاستاریکا کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر را به امضا رساندند. این کنوانسیون همانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یک کمیسیون و یک دادگاه را پیش بینی کرده است. کشور هایی افریقایی نیز پس از تشکیل کنفرانس های متعدد منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت ها در سازمان وحدت آفریقا در ژون 1981 به امضای خویش رساندند. در مجموع نظام حمایت از حقوق بشر سازمان ملل متحد و همچنین نظام های منطقه ای حمایت از حقوق بشر در طی تاریخ پس از جنگ جهانی دوم نشان میدهد که کشور های موجود در نظام بین الملل علاقمند به مشارکت در امور حقوق بشر هستند. امروزه کلیه متون بین المللی حقوق بشر آزادی های انسانی را تصدیق می کنند. همچنین رعایت اصول حقوق بشر طی رویه های متعدد قضایی به عنوان یک اصل مورد حمایت واقع گردیده است. دیوان دادگستری بین المللی در کیس مربوط به تنگه کورفو، الزام دولت ها را به تصدیق ابتدایی امور انسانی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ مدنظر قرار می دهد. در کیس بارسلونا تراکش به نظر دیوان، الزامات عبارت است از اصول و مقررات مربوط به حقوق اساسی و شخصیت انسانی، شامل حمایت از روند مخالفت با عمل برده داری و تبعیض نژادی<sup>22</sup>.

## گفتار دوم- مبانی حقوق بشر

حقوق بشر نشأت گرفته از یکسری مبانی است که انگیزه بنای حقوق را تشکیل میدهد که هر کدام از مبانی مقبول اجتماع واقع میشود و بشر به تآثر از ان حقوق ارزش های انسانی را پذیرفته است که در ذیلاً به آن می پردازیم.

## الف- حق خواهی

بشر طالب حق خواهی است. حق خواهی نوع رفتار مثبتی است که کشش و جاذبه ان در درون انسان ها قرار دارد در جهان بشریت کسی نیست که با کلمه حق آشنا نباشد و تعبیر انرا نداند. تمام حوادث وحشتناک ضد بشری که در طول تاریخ اتفاق افتاد دیر زمانی نگذشت که درنده خویی انها برای افکار جهانی به اثبات رسید و تکرار چنین حوادثی به همین نحو خواهد بود چون که سیر تکاملی زندگی انسان ها بوسیله حق و حقیقت است و میتواند به عنوانی مبانی حقوق بشر مورد توجه عموم بشریت قرار گیرد.

## ب- عدالت خواهی

عدالت کلمه زیبایی است که مفهوم زیبایی را هم بدنبال دارد. بشریت در طول تاریخ برای اجرای عدالت و تحقق اهداف عدالت شیرین ترین محور زندگی خود را در این راه فدا نموده است تا عدالت و روح بلند عدالت در زندگی آرمانی بشریت مقاوم و پابرجا بماند، عدالت گوهر نابی است که بی درنگ با حقوق اولیه و اساسی انسان ها در ارتباط نزدیک است تحقق جهانی شدن حقوق بشر بستگی به توسعه عدالت در کشور های جهان دارد دنیای بدون عدالت دنیای بدون حقوق بشر است در هر مرام و مسلکی میتوان شعله صحیح عدالت را که منشأ پیدایش حقوق بشر است فروزان کرد عدالت جز اولین پله های عبوری حقوق بشر است و حکومت ها باید انرا به خوبی درک کند و برای مردم خود بکار گیرند. با این وصف می توان گفت عدالت یکی از ارکان مهم حقوق بشریت است و هر کشوری در توزیع و توسعه عدالت موفق باشد به اهداف انسانی حقوق بشر نزدیک و نزدیکتر خواهد شد.

## ج- ظلم ستیزی

روحیه ظلم ستیزی به عنوان اصل قابل قبول در دل بشر دوستان جایگاه عمیقی دارد. بشر فی نفسه ظلم را زشت و مقابله با ظلم را امری قابل ستایش میداند. ظلم به ملت ها یکی از بارزترین تضییع حقوق بشریت است و در هر کجای دنیا کوچکترین ظلمی به مردم وارد آید در گوشه دیگر دنیا انرا پدیده ای منفور میدانند ریشه اکثر انقلاب جهان بر اثر ترویج ظلم ازظالمان به مردم مظلوم و محروم است. شکی نیست که شیوه ظلم دنیایی کنونی

با دنیا گذشته تفاوتی آشکار دارد. امروز ممکن است ظلم از حوزه و قلمرو سرزمینی بوسیله تکنالوژی خارج شود و به ملل دنیای دیگر سرایت کند. بهترین شیوه رعایت حقوق بشر، ارتقاء آگاهی مردم جهان نسبت به عمل مذموم ظلم است که باید مردم جهان همواره از آن بیزار باشند و بی رغبتی خود را نسبت به آن در قالب تشکل ها اعلام نمایند. بنابر این هر چند که ظلم بد است و رفتار ظالمانه هیچ محبتی را به سوی خود جلب نمیکند روحیه ظلم ستیزی هم میتواند مبنای خوبی برای رعایت حقوق بشر باشد.

#### د- عقلانیت

یکی از مبانی بسیاری مهم حقوق بشر عقلانیت است، بشر به توسعه فکری رسیده است که با کمک عقل خود میتواند سره را از نا سره تشخیص و سپس به نیاز های اجتماعی و نیاز های درست زیستن خود پی ببرد عقل بهترین چراغ هدایت و سعادت بشریت است که بشر با تمسک از آن میتواند به بلند ترین قله با صفای انسانیت برسد. عقل در معنا همان نقطه مقابل جهل است. جهل جز تاریکی و ظلمت چیزی را به همراه ندارد. جهل بشریت تار عنکبوت حقیقت را در دل انسان ها محو و او را به سوی گمراهی و خودخواهی سوق می دهد و برای رهایی و نجات خود با استفاده از دانش و نیروی عقل میتواند به اهداف والای انسانی برسد. عقل بشر را متحرک می سازد برای رسیدن به حقیقت عالم انسانی و همیشه در کنار اوست تا حقوق انسانی به عالی ترین وضع به جامعه عرضه شود. بعید نیست که بگوییم عقلانیت یکی از مبانی قابل توجه حقوق بشریت است و بشر همواره برای زندگی بهتر محتاج به عقلانیت است و عقلانیت می تواند به عنوان مبانی حقوق بشر نقش موثر و فراوان را در جهت توسعه کشور فراهم کند.

#### گفتار سوم- ویژگیهای حقوق بشر

1- اولین و بارزترین خصوصیت حقوق بشر جهان شمولی (universe) و عام بودن آن است. تمام مردم جهان مستحق این حقوق می باشند. حقوق بشر از یک جامعه نشات نگرفته، بلکه ریشه در تمام جهان و طول تاریخ بشریت دارد. حتی از زمان رسالت انبیا مایه گرفته و در اعصار متمدنی ریشه داشته است. پس حقوق بشر از

تمام بشریت و برای تمام بشر است. چنانچه ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر می گوید.

2- حقوق بشر انتقال ناپذیر است (inalienable) افراد نه خودشان حق سلب این حقوق از خود دارند و نه دیگران این صلاحیت را دارند مگر در موارد خاص.

3- حقوق بشر به هم تنیده و به هم وابسته است (dependent) یعنی تحقق یک حق، به تحقق سایر حقوق می انجامد و از طرفی نقض یک حق، اغلب زمینه تضییع چندین حق دیگر را فراهم می کند.

4- حقوق بشر تفکیک ناپذیر (inseparable) است. یعنی هیچ کدام از حقوق که به عنوان حقوق بنیادین بشر محسوب می شوند بر سایر حقوق ارجح نیستند. این حقوق به هم پیوسته و مرتب هستند. حقوق بشر شامل وجوه سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زیست بشر است و اصل تفکیک ناپذیری حقوق بشر تاکید می کند که توانایی مردم برای زندگی کردن، براساس خواسته های شان و کرامت بشری مستلزم شناسایی این وجوه مختلف است<sup>23</sup>.

5- برابری و عدم تبعیض (equality). هیچ گونه تبعیض از نظر نژاد، نسبت، قومیت، جنسیت، رنگ، زبان، سن، مذهب و عقاید، سیاسی و غیرسیاسی وجود ندارد.

6- مشارکت سیاسی (political participate). تمام مردم حق دارند در توسعه مدنی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشارکت و فعالیت آزادانه داشته باشند.

7- مسولیت پذیری (responsibility). دولت ها نسبت به رعایت حقوق بشر مکلف و پاسخگو هستند. این خصیصه های حقوق بشر که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین الملل آمده، اصول و معیارهای هستند که فعالیت ها، برنامه ریزی های بازسازی را در تمام مراحل اجرا، کند و راهنمایی خوب برای برنامه ریزی در بخش های مثل بهداشت، آموزش، کار، امنیت و ... در راستای رعایت و تطبیق حقوق بشر است. همان طور که ذکر شد، حقوق بشر عام شمول است و مربوط به گروه خاص یا افراد خاصی نیست و

---

<sup>23</sup> عالمی، آمنه، مقایسه جایگاه حقوق زنان در قانون منع خشونت و اسناد حقوق بشر، فصلنامه تخصصی علوم اسلامی "سفیر"، شماره 12، ص

شامل زن، مرد، طفل، صغیر و ... می شود. امروز حقوق بشر از آن رو در جهان مورد توجه واقع شده است که با وجود حرمت و تقدسی که دارد همواره نقض شده و هر روز مورد تعرض واقع می شود<sup>24</sup>. در طول تاریخ بشریت، حقوق بشر به کرامت انسانی و شان شخصیت بشری احترام گذاشته و حقوقی را برای آن به رسمیت می شناسد. حقوقی که در اسناد مختلف بین الملل به مکرر آمده است و برای اقشار مختلف در گروه های مختلف تدوین شده است. حقوق اسرا، حقوق جنگ، در زمینه های بهداشت و... اما در این میان دو قشر زنان و کودکان به علت ضعف و ناتوانی و محدودیت شان نتوانستند استیفا کنند و اگر حقوق را به دست آورده اند ناقص بوده است. این افراد همواره مورد تعرض دیگر اقشار جوامع واقع شده اند. اسناد حقوق بشر، پیرامون این دو گروه به طور ویژه بحث کرده است اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد از قبیل کنوانسیون ها، پروتکل ها و میثاق های بین المللی از حقوق کل بشر حمایت کرده است. حقوق زنان و حمایت از آن ها در اسناد ویژه ای ثبت شده است.